

دکتر سوده مقصودی*

زهرا بستان**

بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی

نقش‌های خانه‌گی و اجتماعی

زنان شاغل شهر کرمان

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

smaghsoodi@mail.uk.ac.ir

** کارشناس پژوهش‌گری علوم اجتماعی

aria_306@yahoo.com

چکیده

بر اساس تقسیم کار جنسی در خانواده، مردان نان‌آور تلقی می‌شوند، در حالی که زنان باید عهده‌دار اداره‌ی امور درون خانه باشند. پی‌آمدهای عملی این فرضیه، هم‌چنان گریبان‌گیر زنان متأهل است و چنان از بدیهیات عقلی به شمار می‌رود که به‌ندرت مورد تردید یا اعتراض قرار می‌گیرد.

با شروع انقلاب صنعتی، نقش‌های سنتی زنان تا حدودی دگرگون شد، به گونه‌ئی که به جای کار صرفاً خانه‌گی، بخش عمده‌ئی از زنده‌گی آن‌ها صرف فعالیت‌های بیرون از خانه گشت. اما این امر موجب جدایی زن از وظایف طبیعی خود نشد. امروزه، هنوز زنان می‌دانند که پس از سپری کردن آخرین ساعات کار، نقش‌های سنتی و خانه‌داری در انتظارشان است، نقش‌هایی چون کدبانوگری، فرزندداری، همسرداری، تیمارداری و ...

پژوهش‌های متعدد در سراسر جهان نشان می‌دهد که زنان همواره در فعالیت‌های درون و بیرون منزل با تضاد و تعارض نقش روبه‌رو هستند. شناخت این تعارض‌ها برای کاهش مشکلات برآمده از آن، اهمیت پژوهش در موضوعاتی از این دست را نشان می‌دهد. بدین منظور، پژوهش‌گر ۲۶۰ زن متأهل و شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان را در سال ۸۲ مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش که به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام گرفت، برای بررسی ارتباط بین متغیرها و شدت و ضعف آن، علاوه بر آزمون کی‌دو از رگرسیون نیز استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که زنان شاغل مشکلات خود را در رابطه با نگهداری و تربیت فرزندان، تهیه‌ی خوراک خانواده، برقراری نظم و نظافت منزل، کم‌بود وقت برای رفت‌وآمد با خویشاوندان، رسیده‌گی به ظاهر خود و داشتن وقت لازم برای تفریح، گفت‌وگو و تبادل نظر با همسر و ... زیاد ارزیابی کردند. از سویی، بیش‌ترین میزان مشکلات زنان شاغل، نظافت و ایجاد نظم در منزل بود. این پژوهش، هم‌چنین نشان داد که این مشکلات، لزوماً نه به‌تنهایی برآمده از شغل زنان، بلکه از نگرش‌ها و تفکرات سنتی جامعه درباره‌ی نقش زنان است که آن‌ها را وادار می‌کند افزون بر نقش‌های اجتماعی، هم‌زمان به الزامات و مسئولیت‌های نقش‌های خانه‌گی نیز بیاورند. علاوه بر این، یافته‌ها بیان‌گر این مطلب اند که میزان مشکلات زنان با افزایش هم‌کاری همسر در امور منزل، کاهش قابل ملاحظه خواهدداشت. در این مقاله، با توجه به فراوانی‌ها رابطه‌ی چندانی میان شرایط شغلی و مشکلات زنان دیده نشد، بدین معنا که زنان شاغل، با هر پست سازمانی و با هر میزان ساعات کار و درآمد، مشکلات مربوط به نقش‌های خانه‌گی خود را، زیاد ارزیابی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها

اشتغال؛ مشکلات؛ نقش خانه‌گی؛ زنان؛

مقدمه

حرکت سریع جامعه‌ی ایران به سوی تمدن، افزایش اشتغال زنان را موجب شده‌است؛ اما همراه با این دگرگونی‌ها، نگرش‌های سنتی و کلیشه‌ئی غالب در ارتباط با نقش زنان تغییر نیافته و اشتغال زنان را با مشکلاتی چند روبه‌رو ساخته‌است.

انجام وظایف نهادی‌شده‌ئی چون وظیفه‌ی مادری، خانه‌داری (شامل وظایف گوناگونی همچون رفت‌و‌رو، آش‌پزی، شست‌وشو و ...)، و پرستاری از اعضای خانواده، همواره بر دوش زنان سنگینی می‌کند، به گونه‌ئی که حتا با فاصله گرفتن زن از خانه، نگرانی انجام این وظایف او را رها نمی‌سازد.

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌است که زنان شاغل به واسطه‌ی شغل‌شان با مشکلاتی خانواده‌گی دست‌به‌گریبان می‌شوند که بر میزان و کیفیت اشتغال آنان تأثیر می‌گذارد. این امر، انجام چنین پژوهش‌هایی را، توسط پژوهش‌گران رشته‌های مختلف علمی، همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و ... الزامی می‌سازد. از سوی دیگر، تحقیقاتی از این دست، به افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق خود می‌انجامد و زمینه‌های تغییر نگرش مدیران را درباره‌ی نقش‌های زنان فراهم می‌سازد. در واقع، این امر موجب می‌شود که مدیران از مشکلات و محدودیت‌های این بخش جامعه آگاهی یابند و در پی راه‌کارهایی برای حل آن باشند تا بتوان از تمام توانایی‌های افراد جامعه (زن و مرد) برای گام برداشتن در مسیر توسعه استفاده نمود.

بنا به اهمیت موضوع، این مقاله به بررسی مشکلات مربوط به نقش‌های خانگی زنان شاغل در شهر کرمان می‌پردازد. بدین منظور، اطلاعات لازم از ۲۶۰ زن متأهل و شاغل در ادارات دولتی کرمان گردآوری شده‌است.

اهداف تحقیق

مهم‌ترین اهداف این پژوهش چنین است:

- ۱- بررسی میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانه‌گی زنان شاغل کرمان
- ۲- تعیین انواع مشکلات برآمده از نقش‌های خانه‌گی زنان شاغل کرمان
- ۳- مطالعه‌ی تأثیر شرایط شغلی بر مشکلات زنان شاغل

دیدگاه نظری

از دیدگاه جامعه‌شناسی فونکسیونالیست، تنها نقش اساسی زنان در جامعه، برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزندزایی است و به هیچ وجه نباید تغییری در این نقش‌ها ایجاد کرد (مسعودیان، ۱۳۷۸: ۱۲).

پارسونز معتقد است که همانندی کارکردهای زن و مرد در خانواده موجب اختلال نظام خانواده می‌شود. رابرت لین نیز در اثر خود، کتاب سیاسی می‌گوید: «مشارکت زنان در امور سیاسی، یا هر نوع وابسته‌گی بیرون از خانه، به معنای دزدی از فرصت‌های خانواده‌گی است» (همان: ۱۲).

جامعه‌شناسان، زنده‌گی انسان را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: کار (اشتغال- درآمدزا)، فراغت (تفریح و سرگرمی) و ضرورت (خواب، خوراک و ...). اما فمینیست‌ها معتقد اند این نگرشی مردانه به دنیا ست، چرا که خدمات بی‌اجر خانه‌گی را کار نمی‌شناسد (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۷۱). به‌علاوه، زنان شاغل علی‌رغم ساعات کار زیاد بیرون از خانه، در ساعات فراغت نیز با ضرورت انجام کارهای خانه‌گی روبه‌رو اند. در این بخش، برای درک مشکلات زنان شاغل، به نظریات مربوط به این موضوع اشاره می‌شود.

۱- نقش خانه‌داری (کدبانوگری)

آندره میشل با مطالعات خود در کشورهای مختلف نتیجه می‌گیرد که «حتا اگر زن در بیرون خانه کار کند، سنگین‌ترین وظایف مربوط به کار خانه را بر دوش دارد و شوهرش در کار خانه به او یاری نمی‌رساند. تعدد وظایف، تنها مسئله‌ی زنان امروز نیست، بلکه از دید زنان شاغل، پدیده‌ی خاص عصر حاضر، تنوع و تعارض این وظایف است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۷۱).

آبوت نیز با تأکید بر نوع تقسیم کار جنسی در خانواده معتقد است که بخشی از بی‌عدالتی در زنانی دیده‌می‌شود که علاوه بر اشتغال در بیرون خانه، همچنان خانه‌داری، آش‌پزی و بچه‌داری را بر عهده دارند و بخش دیگر، بدین علت بی‌عدالتی شمرده‌می‌شود که کارهای خانگی زنان، نسبت به کار همراه با مزد مردان، به مراتب نیازمند ساعات کار بیشتری است.

فمینیست‌ها، اغلب این نکته را خاطر نشان می‌کنند که به طور کلی، مسئولیت کارهای ضروری و تکراری که باید به طور منظم انجام شود با زنان است، در حالی که مردان کارهایی را انجام می‌دهند که به خلاقیت نیاز دارد و می‌توان سر فرصت به آن پرداخت. این تقسیم کار، اغلب وابسته به نگرشی است که استعدادها و قابلیت‌های طبیعی زن و مرد را تعیین می‌کنند. برای نمونه، می‌گویند زنان به طور طبیعی می‌توانند به‌خوبی از عهده‌ی کارهایی مثل نظافت، خیاطی، ظرف‌شویی، خرید روزانه، شست‌وشو، بچه‌داری و آش‌پزی برآیند، در حالی که این توانایی در مردان وجود ندارد (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

مارتین و رابرت نیز عنوان می‌کنند که زنان، اغلب مشاغلی اختیار می‌کنند که با وظایف خانواده‌گی‌شان متناسب باشد تا بتوانند همچنان بار کارهای خانگی را به دوش کشند (همان: ۱۲۹).

ج. ک. گالبرایت معتقد است که از اوایل قرن بیستم تا امروز، تنها اقلیت کوچکی از مردم خدمت‌کار استخدام می‌کنند، اما تقریباً برای تمام جمعیت کنونی، همسر خدمت‌کار در زنده‌گی خانواده‌گی موجود است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۴۶).

ریتزر نیز به این نکته اشاره دارد که زنان شاغل، بیش از زنانی که خانه‌دار تمام‌وقت هستند، در اوایل شب، و برای ساعات طولانی در تعطیلات آخر هفته، کار خانه‌گی انجام می‌دهند. کار خانه‌گی با ارائه‌ی رایگان خدماتی که بسیاری از جمعیت شاغل به آن وابسته اند بنیه‌ی اقتصاد را تقویت می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

۲- نقش مادری (فرزندداری)

زنان را به لحاظ نقش مادری‌شان، پرستاران طبیعی به شمار می‌آورند. افزون بر این، فرصت‌های شغلی زنان محدود است، چون کارفرماها معتقد اند مادر بودن در زنده‌گی زنان اساسی‌تر از آینده‌ی شغلی است (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

به عقیده‌ی آبوت و سیس‌فورد، چیزی که زنان را در قلمرو خانه‌گی محصور می‌کند، یا دست‌کم رقابت با مردان را در بازار کار و سازمان‌های سیاسی برای زنان، به‌ویژه زنان متأهل دشوار می‌سازد، تأثیر متقابل ایده‌تولوژی‌های موجود درباره‌ی مادری و نقش زنان است (همان: ۲۵۶).

بلاد نیز در زمینه‌ی مشکلات زنان در ارتباط با فرزندداری معتقد است که زنان برای این‌که بتوانند بیرون‌خانه کار کنند، ناچار باید کودکان خود را به مادر بزرگ یا خویشان دیگر بسپارند که در جوامع امروزی به علت پراکنده‌گی اقوام چنین امکانی میسر نیست؛ در نتیجه، فرزندان را در قبال پرداخت دست‌مزد به دیگران یا پرورشگاه می‌سپارند، یا در خانه می‌گذارند که در این صورت، کودکان خودسر بار می‌آیند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۸ و ۱۶۹).

آبوت نیز به ترک بازار کار توسط زنان شاغلی اشاره می‌کند که کودکان خردسال دارند یا دوران بارداری و زایمان را سپری می‌کنند. گرچه با تخصیص امکاناتی چند، ترک بازار توسط این زنان روز به روز کمتر می‌شود، اما به دلیل مسئولیت‌های خانه‌گی، همچنان شمار مادرانی که شغل تمام‌وقت دائمی دارند، بسیار اندک است (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۸۶ و ۱۸۷).

مارتین و رابرت نیز داشتن فرزند کوچک را دلیل اصلی کناره‌گیری زنان از بازار کار می‌دانند و مشاغل پاره‌وقت را مشاغل ایده‌آل برای این گونه زنان به شمار می‌آورند (همان: ۵۴ و ۵۵).

گرت بیان می‌کند که مادر شاغل را اغلب خودخواه و مهم‌تر از همه، بد می‌دانند، زیرا چنین تصور می‌شود که او نسبت به فرزند خود قصور و کوتاهی می‌کند. کودکی که مادر شاغل دارد، رهاشده انگاشته می‌شود و ادعا می‌شود که غیبت مادر ممکن است بر ثبات شخصیت آینده‌ی او اثر منفی بگذارد. جنبه‌ی دیگر چنین رویکردی این است که مادر نمی‌تواند به عنوان یک زن به رضایتی حقیقی دست یابد، مگر آن که وقت خود را صرف مراقبت از کودکی که خود به دنیا آورده، یعنی فرزند تنی‌اش کند (گرت، ۱۳۸۰: ۶۷ و ۶۸).

اشتغال زن موجب دوری او از خانه می‌شود و بنابراین، ساعت‌ها از فرزند و دیگر اعضای خانواده بی‌اطلاع می‌ماند. این امر، اضطراب و نگرانی را در میان زنان شاغل شهری ایجاد می‌کند.

بیرون‌بیوم (۱۹۷۱) معتقد است که احساس گناه، نگرانی و اضطراب این دسته از زنان بیش‌تر از زنان خانه‌دار است (جمشیدی، ۱۳۸۱: ۴۶).

۳- نقش تیمارداری

فینچ و گروز عقیده دارند هر چند افزایش مهد کودک، آسایش‌گاه، پرستار خانگی و مانند آن، تحمل بار گران تیمارداری خویشاوندان وابسته را برای زن آسان‌تر خواهد کرد، ولی نه او را از حصار بسته‌ی خانگی آزاد می‌کند و نه مسئولیت‌های خطیر تیمارداری را از دوش او بر خواهد داشت.

آبوت نیز به‌هنجارسازی زنده‌گی را برای کودک عقب‌مانده‌ی ذهنی، با از هنجار درآمدن مادر برابر می‌داند. الزام‌های جسمی و روانی نقش تیمارداری با این توقع در هم آمیخته که تیماردار در صورت نیاز تمامی شبانه‌روز را در طول هفته صرف این کار کند (آبوت، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

نیسل و بونرزیه با تحقیق بر روی ۴۴ زوج که نگره‌داری از خویشان سال‌مند را به عهده داشتند به این نتیجه رسیدند که «زنان، اعم از این که شاغل باشند یا نباشند، به طور میانگین، روزی دو تا سه ساعت برای مراقبت‌های ضروری خویشاوندان خود، وقت صرف می‌کنند (همان: ۱۸۲).

۴- نقش همسری

با توجه به تعدد وظایف زنان شاغل، حمایت همسر کلید موفقیت خانواده‌هایی است که زن و شوهر هر دو شاغل اند. حق‌شناسی و رضایت خاطر شوهران از شاغل بودن همسر خود، به میزان مشارکت آنان در امور خانواده و ادراکات آنها از رضایت شغلی و خانواده‌گی بستگی دارد.

گروهی بر این باور اند که زنان شاغل، به علت وقتی که بیرون از خانه صرف می‌کنند، وقت کم‌تری برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسرشان دارند. از سویی بسیاری از مردان دوست ندارند اعتماد به نفس همسرشان از آنها بیشتر باشد. زنان هم از عدم حمایت شوهرشان گله دارند. بنابراین، اولین چیزی که در این بین آسیب می‌بیند رابطه‌ی زن و شوهر است، زیرا هر یک با این تصور زنده‌گی می‌کند که دیگری او را درک نمی‌کند (بی نام، حیات نو، ۱۳۸۱).

۵- نقش عروس در خانواده‌ی خود و همسر

کار زنان در درون و بیرون خانه موجب ارتباط کم‌تر با دوستان و خویشاوندان می‌شود. این در حالی است که نزدیکان خود زن یا همسرش از او انتظاراتی خاص دارند. بر این اساس، زنان ممکن است تنها به انتظارات آنها جامعه‌ی عمل بپوشند که در این صورت به سایر نقش‌های خانه‌گی و شغلی خود نمی‌رسند و یا در نوع رفت‌وآمد با خانواده‌ی خود و یا خانواده‌ی همسرشان نوعی ارجحیت قائل شوند، به گونه‌ئی که ارتباط با خویشاوندان خود را در اولویت قرار دهند و ارتباط کم‌تری با خویشان همسر داشته‌باشند، که البته این

امر نیز بر مشکلات و کشمکش‌های روحی و روانی‌شان خواهد افزود. در نهایت، باید گفت که زنان شاغل به دلیل گوناگونی نقش‌ها و وظایف، و مشکلات ناشی از آن، حتی برای رسیده‌گی به امور شخصی خود (مانند آراسته‌گی ظاهر، تقویت جسم، و تفریح و سرگرمی) نیز وقت کمی دارند که این امر نیز به خودی خود مسائلی را به همراه خواهد داشت.

۶- نقش کارمندی

محیط کار و شرایط کاری نیز نقش مهمی در بروز مشکلات زنان متأهل-شاغل دارد. ساعات کار، نوع کار، رابطه با مدیران و هم‌کاران، محیطی که فرد در آن مشغول به کار است، دست‌مزد و امکانات رفاهی سازمان، همه و همه بر رضایت شغلی او اثر می‌گذارد. میزان رضایت شغلی فرد نیز با میزان مشکلات ناشی از نقش‌های خانگی مرتبط است. تحقیقات گذشته ثابت کرده که زنانی که در خارج از خانه مشاغل سخت و درازمدت را تجربه می‌کنند در ایفای نقش‌های خانگی احساس خسته‌گی و بی‌حوصله‌گی بیشتری نسبت به زنان خانه‌دار دارند. این مسئله، زنان شاغل را بیش از پیش دچار مشکلات روحی می‌سازد (بی نام، خراسان، ۱۳۸۰).

هافمن و نای (۱۹۷۴) نیز از تحقیق بر روی مادران شاغل نتیجه گرفتند که «اکثر مادران شاغلی که از شغل خود راضی بودند، احساس گناه نمی‌کردند و در انجام امور خانه نیز شایسته‌گی داشتند و به خوبی مادران خانه‌دار و یا [حتی] بهتر از آنان عمل می‌کردند» (کرباسی، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

جدول ۱- استفاده از چهارچوب نظری برای طرح فرضیات

متغیر	نظریه پرداز	نظریه	فرضیه
خانهداری	آندره میشل	انجام سنگین‌ترین وظایف مربوط به منزل، حتا زمانی که زن شاغل است، بر عهده‌ی او ست.	بین نقش خانهداری (کدبانوگری) زن شاغل و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانهداری او رابطه وجود دارد.
	آبوت	بر اساس تصور قابلیت طبیعی زن، کار خانه‌گی جزو وظایف زنان قلمداد می‌شود و انجام آن بیش از زمان کار همراه با مزد مردان به طول می‌انجامد.	
	مارتین و رابرتز	زنان مشاغل را انتخاب می‌کنند که بتوانند به وظایف خانهداری خود نیز بپردازند.	
	گالبرایت	زنان در خانه همواره همسر خدمت‌کار تلقی می‌شوند.	
تیمارداری	ریتزر	ساعاتی که زنان شاغل به کار خانه‌گی در اوایل شب و تعطیلات آخر هفته اختصاص می‌دهند، بیش از زنان خانهدار است.	بین نقش پرستاری زن شاغل و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانهداری او رابطه وجود دارد.
	فینچ و گروز	با وجود مراکز نگهداری از بیماران و سال‌مندان، مسئولیت تیمارداری بر دوش زنان است.	
	آبوت	الزام‌های جسمی و روانی نقش تیمارداری با مراقبت شبانه‌روزی تیماردار درآمیخته است.	
فرزندداری	نیسل و بونرثیه	زنان شاغل یا غیرشاغل، روزی دو تا سه ساعت برای مراقبت‌های ضروری خویشاوندان خود وقت صرف می‌کنند.	بین نقش مادری (فرزندداری) زن شاغل و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانهداری او رابطه وجود دارد.
	آبوت و سپس‌فورد	ایده‌نولوژی‌های موجود درباره‌ی مادری و نقش زنان، رقابت زنان با مردان را در بازار کار و سازمان‌های سیاسی دشوار می‌سازد.	
	بلاد	زنان برای این که بتوانند درخارج از خانه کار کنند ناچار اند فرزندان خود را به دیگران بسپارند و از این بابت دچار مشکل می‌شوند.	
	آبوت	ترک بازار کار توسط زنان در دوره‌ی بارداری، زایمان یا زمانی که فرزندان کوچک دارند، از جمله مشکلات زنان شاغل است.	
	مارتین و رابرتز	داشتن فرزندان کوچک، گاه موجب کناره‌گیری زن از بازار کار و یا موجب فعالیت در مشاغل پاره‌وقت می‌شود.	
	گرت	غیبت مادران شاغل ممکن است بر ثبات و شخصیت آینده‌ی کودک اثر منفی داشته‌باشد.	
	بیرون بیوم	زنان شاغل به خاطر دور شدن از فرزندان و خانواده احساس گناه، نگرانی و اضطراب می‌کنند.	

فرضیات

فرضیات این تحقیق به دو بخش کلی و جزئی تقسیم می‌شود:

فرضیات کلی

به نظر می‌رسد که بین میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زن شاغل با هر کدام از نقش‌های زیر رابطه وجود دارد:

- ۱- نقش خانه‌داری
- ۲- نقش مادری
- ۳- نقش تیمارداری
- ۴- نقش همسررداری
- ۵- نقش کارمندی
- ۶- نقش عروس در خانواده‌ی خود و همسر

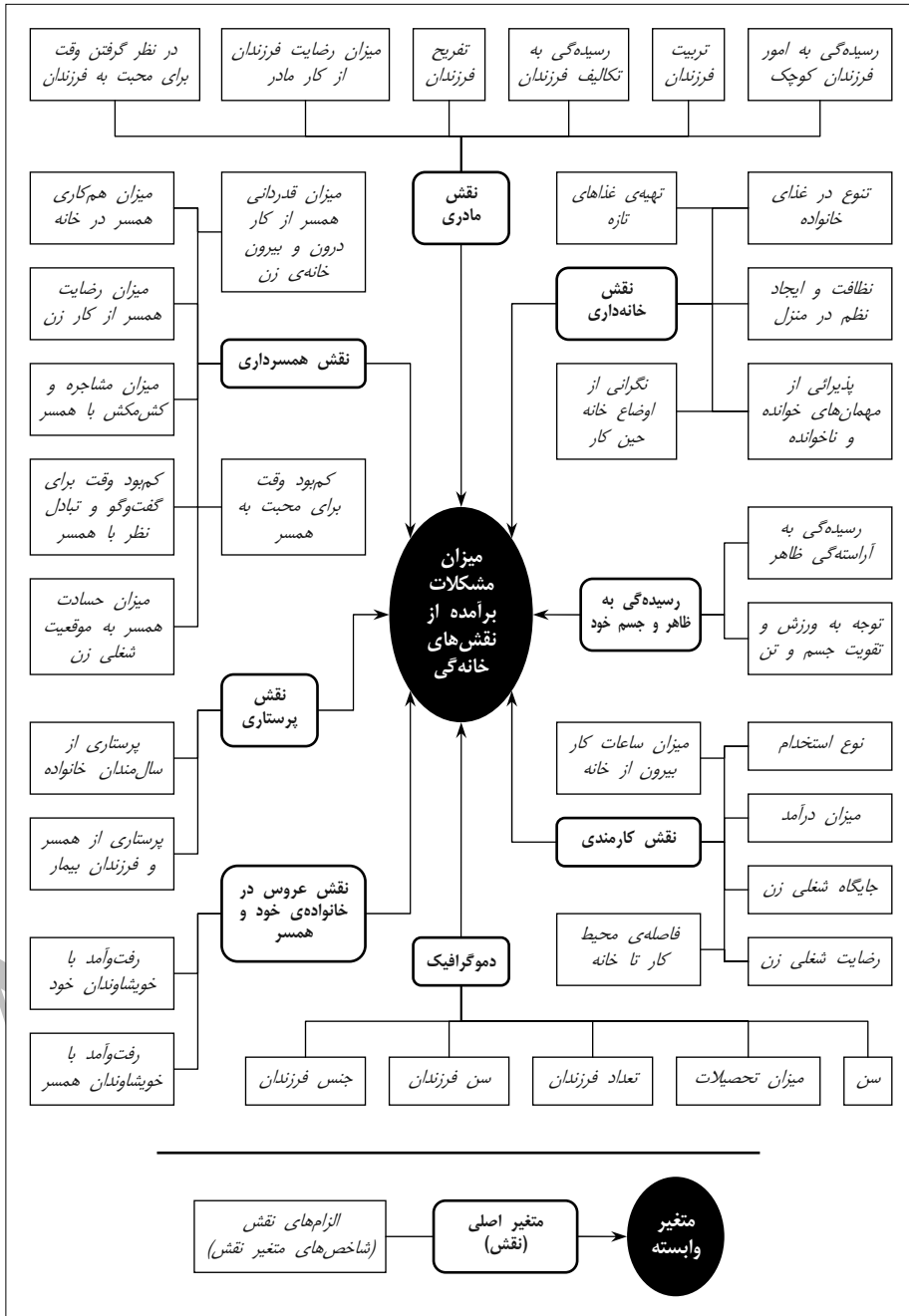
فرضیات جزئی

فرضیات جزئی پژوهش در رابطه با متغیرهای اساسی تحقیق تعریف می‌شود. به این ترتیب که در رابطه با هر متغیر شاخص‌هایی در نظر گرفته شده که خود این شاخص‌ها به عنوان متغیر مستقل ارتباطشان با متغیر وابسته (میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی) آزمون شده است:

شاخص‌های متغیر نقش خانه‌داری: الزام در تهیه‌ی غذاهای تازه برای خانواده؛ تنوع در غذای خانواده؛ نظافت و ایجاد نظم در منزل؛ پذیرایی از مهمان‌های خوانده و ناخوانده؛ احساس نگرانی از اوضاع خانه حین کار.

شاخص‌های متغیر نقش مادری: الزام در رسیده‌گی به امور فرزندان کوچک؛ تربیت فرزندان؛ رسیده‌گی به تکالیف فرزندان؛ تفریح فرزندان؛ میزان رضایت فرزندان از کار مادر؛ در نظر گرفتن اوقاتی خاص برای محبت به فرزندان و گفت‌وگو با آنان.

نمودار ۱- متغیرهای پژوهش



شاخص‌های متغیر نقش پرستاری: الزام در پرستاری از همسر و فرزندان بیمار؛ پرستاری از سالمندان خانواده.

شاخص‌های متغیر نقش همسر داری: میزان همکاری همسر در کارهای خانه؛ میزان رضایت همسر از اشتغال زن؛ میزان مشاجره و کش‌مکش با همسر؛ کم‌بود وقت برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسر؛ میزان حسادت همسر به موقعیت شغلی زن؛ میزان قدردانی همسر از کار درون و بیرون. خانه‌ی زن؛ کم‌بود وقت برای محبت به همسر.

شاخص‌های متغیر نقش عروس در خانواده‌ی خود و همسر: الزام برای رفت‌وآمد با خویشاوندان زن؛ الزام برای رفت‌وآمد با خویشاوندان مرد. شاخص‌های متغیر نقش کارمندی: میزان ساعات کار بیرون از خانه؛ نوع استخدام؛ فاصله‌ی محیط کار تا خانه؛ جایگاه شغلی زن؛ رضایت شغلی زن؛ میزان درآمد.

شاخص‌های متغیر رسیده‌گی به ظاهر و جسم خود: الزام رسیده‌گی به آراسته‌گی ظاهر خود؛ میزان توجه به ورزش و تقویت جسم و تن. متغیرهای دموگرافیک: سن؛ میزان تحصیلات؛ تعداد فرزندان؛ سن فرزندان؛ جنسیت فرزندان. متغیر وابسته، میزان مشکلات برآمده از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی بوده که چه‌گونه‌گی سنجش آن در نمودار ۱ آمده‌است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش است. پیمایش، مجموعه‌ئی است از روش‌های منظم و استاندارد برای گردآوری داده‌ها درباره‌ی افراد، خانواده‌ها و یا مجموعه‌ئی بزرگ‌تر (ادواردز، ۱۳۷۹: ۱۷).

ابزار به‌کارگرفته در این تحقیق، پرسش‌نامه است. بدین شکل، که اطلاعات مربوط به زنان شاغل و متأهل در این پرسش‌نامه‌ها درج و سپس، این اطلاعات با کدگذاری دقیق، استخراج و تجزیه و تحلیل شده‌است.

جامعه‌ی آماری این تحقیق، زنان شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان است که در سال ۸۲ مشغول به کار بوده‌اند. این تعداد از زنان بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و طبقه‌بندی انتخاب شده‌اند. لازم به ذکر است که تعداد زنان نمونه به تناسب جمعیت زنان متأهل و شاغل در آن سازمان دولتی به دست آمده‌است.

نمونه‌ی آماری این پژوهش، ۲۶۰ نفر از زنان متأهل و شاغل است که در زمان پژوهش با همسران‌شان زنده‌گی می‌کردند. از آن‌جا که جامعه‌ی آماری پژوهش حدود ۴۰۰۰ نفر بود، برای انتخاب نمونه‌ی آماری از فرمول کوکران استفاده شد و این تعداد به تناسب بین ادارات مختلف دولتی شهر کرمان توزیع شده‌اند.

داده‌های تحقیق با برنامه‌ی کامپیوتری SPSS تجزیه و تحلیل شد. از آن‌جا که سطح سنجش متغیرها غالباً اسمی و ترتیبی بود، آزمون کی-دو، و در تعیین ارتباط متغیرها و شدت و ضعف آن، آزمون رگرسیون به کار گرفته‌شد.

یافته‌های تحقیق

طبق یافته‌های پژوهش، ویژه‌گی‌های اساسی پاسخ‌گویان بدین‌سان بود:

- ۱- بیش‌تر پاسخ‌گویان زنان متأهل ۳۰ تا ۳۹ ساله بودند (۴۶ درصد).
- ۲- زنان کارمند غالباً در ادارات، مشاغل اداری-دفتری داشتند (۶۶ درصد).
- ۳- نوع استخدام پاسخ‌گویان، بیش‌تر استخدام رسمی بود (۶۶ درصد).
- ۴- بیش‌تر زنان تحصیلاتی در حد لیسانس داشتند (۴۵ درصد)، در حالی که میزان تحصیلات همسران آن‌ها بیش‌تر در حد دیپلم بود (۳۷ درصد).
- ۵- همسران زنان اغلب کارمند بودند (۷۱ درصد) و شغل آزاد از نظر فراوانی و اهمیت در مرتبه‌ی بعدی قرار داشت (۲۰ درصد). نکته‌ی مهم این که ۲۲ درصد از مردان دارای شغل دوم نیز بود.

۶- در بیشتر موارد زنان بین ۱ تا ۲ فرزند داشتند (۶۱درصد). از این تعداد، ۳۴درصد پسر و ۳۷درصد دختر بودند. سن فرزندان نیز، بیش‌تر بین صفر تا ۹ سال بود (۳۹درصد).

۷- زنان و مردان هر دو غالباً بین ۱۰۰ تا ۲۰۰هزار تومان درآمد داشتند.
۸- میزان ساعات کار زنان در روز حدود ۷ تا ۹ ساعت بود که زیاد به نظر می‌رسد (۵۵درصد).

۹- بیش‌تر زنان گفته‌اند که محل کار تا خانه‌شان حدود ۳۰ تا ۵۰ دقیقه فاصله دارد (۷۹درصد).

زنان نمونه‌ی مورد نظر، همه معتقد بودند، باید علاوه بر کار بیرون، به تمام کارهای خانه رسیده‌گی کنند و در این بین، کم‌تر کسی در کار خانه به آن‌ها کمک می‌رساند.

به گفته‌ی بیش‌تر زنان، آنان در کار خود با مشکلات خانواده‌گی از این دست روبه‌رو اند:

- به خاطر شاغل بودن نمی‌توانند در برنامه‌ی غذایی خانواده تنوع ایجاد کنند (۴۴درصد).

- مجبور اند روز قبل غذا را تهیه کنند و به مصرف خانواده برسانند؛ بنابراین خانواده از خوردن غذاهای تازه محروم می‌ماند (۶۶درصد).

- به خاطر کار در بیرون، خانه نمی‌توانند به طور کامل به نظم و نظافت منزل رسیده‌گی کنند و این را مشکلی عمده دانسته‌اند (۹۰درصد).

- هنگام بیماری کودکان یا یکی از اعضای خانواده (به‌ویژه سال‌مندان)، تیمارداری و مراقبت تنها بر عهده‌ی آنان است (۷۷درصد).

- مهمان‌های ناخوانده که پس از اتمام کار زن به خانه‌ی او می‌آیند و پذیرایی از آن‌ها تنها بر عهده‌ی او است (۴۹درصد).

- به دلیل مشغله‌های زیاد کاری، نمی‌توانند با نزدیکان و اقوام خود یا همسران‌شان رفت‌وآمد چندانی داشته‌باشند (۶۱درصد).

- وقت اندکی برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسران‌شان دارند (۵۷درصد).

- میزان همکاری اغلب مردان در امور خانه‌گی منزل کم است (۳۳درصد).
- رسیده‌گی به امور فرزندان کوچک تنها بر عهده‌ی آنهاست و همسرانشان در این باره هیچ همکاری نمی‌کنند. این مورد درباره‌ی تربیت فرزندان بزرگ‌تر نیز صادق است. در واقع، اغلب مردان در تربیت و پرورش فرزندان‌شان هیچ یاری به همسرشان نمی‌رسانند (۴۶درصد). این مشکل، هم‌چنین در رسیده‌گی به تکالیف فرزندان نیز دیده‌می‌شود (۳۹درصد).
- برای رسیده‌گی به ظاهر خود، وقت کافی به اندازه‌ی زنان خانه‌دار ندارند (۷۰درصد).
- برای تفریح و پر کردن اوقات فراغت فرزندان خود وقت کافی ندارند (۵۴درصد).
- فرزندان‌شان از شاغل بودن مادرشان راضی نیستند (۴۰درصد).
- دوچار دردهای استخوانی و عضلانی ناشی از کار اند که این، خود بر مشکلات آنان در درون منزل می‌افزاید (۴۴درصد).
- برای تفریح و سرگرمی (۶۱درصد) و ورزش و تقویت جسمانی خود (۶۸درصد) وقت کافی ندارند.
- بیش‌تر زنان معتقد بودند که همسرانشان از کار آنها راضی اند و هیچ اعتراض یا حس حسادت‌ی به شغل آنان ندارند.
- زنان شاغل، کم‌تر با همسرانشان مشاجره یا کش‌مکش‌های شدید خانواده‌گی دارند (۸۲درصد).
- بیش‌تر زنان از این که همسرشان از کار آنها تشکر و قدردانی نمی‌کند مشکلی احساس نمی‌کردند (۶۱درصد).
- در نهایت، پاسخ‌گویان رضایت چندانی از شغل خود ندارند (۵۵درصد).
- در مجموع، زنان معتقد بودند که کار خارج از خانه مانع از ایفای نقش خانه‌گی‌شان نشده و میزان مشکلات برآمده از این نقش‌ها را زیاد ارزیابی کرده‌اند (حدود ۳۰درصد).

شاخص میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زنان

برای سنجش میزان مشکلات مربوط به نقش‌های خانگی زنان شاغل، پرسش‌های طرح‌شده برای ارزیابی این متغیر در یک پرسش‌نامه‌ی ساخت‌مند با یک‌دیگر جمع شده و مجموع نمرات مربوط به آن به عنوان شاخص میزان مشکلات در نظر گرفته شده است که نتایج در جدول ۲ دیده می‌شود.

جدول ۲- شاخص میزان مشکلات ناشی از نقش‌های خانگی زنان

میزان مشکلات	کم	متوسط	زیاد	بی‌پاسخ	جمع
فراوانی	۶۳	۶۴	۷۵	۵۸	۲۶۰
درصد	۲۴	۲۵	۲۹	۲۲	۱۰۰

نتایج به دست آمده از آزمون کی-دو

جدول ۳- رابطه بین ویژه‌گی‌های دموگرافیک و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی آنان

ویژه‌گی	گزینه‌ها	مقدار	df	σ
سن	۲۰-۲۹ / ۳۰-۳۹ / ۴۰-۴۹ / ۵۰-۵۹	۸/۵۸۲	۶	۰/۱۹۸
نوع شغل	مدیر / متخصص عالی‌رتبه / تکنسین / اداری-دفتری	۶/۴۰۰	۶	۰/۳۸۰
نوع استخدام	قراردادی / پیمانی / رسمی-آزمایشی / رسمی	۱۵/۴۷	۶	۰/۰۱۷
میزان تحصیلات	سیکل / دیپلم / فوق دیپلم / لیسانس / فوق لیسانس و بالاتر	۱۴/۲۰۲	۱۰	۰/۱۷۲
تحصیلات همسر	ابتدایی / سیکل / دیپلم / فوق دیپلم لیسانس / فوق لیسانس و بالاتر	۱۳/۲۰۲	۱۲	۰/۳۵۵
شغل همسر	کارمند / آزاد / بی‌کار / بازنشسته	۹/۵۸۸	۶	۰/۱۴۳
تعداد فرزندان	بدون فرزند / ۱ تا ۲ / بیش از ۳	۹/۹۲۴	۴	۰/۰۴۲
سن فرزندان	۰-۹ / ۱۰-۱۹ / ۲۰-۲۹	۳/۲۵۰	۴	۰/۵۱۷
درآمد زن	کمتر از ۱۰ هزار / ۱۰ تا ۲۰ هزار / ۲۰ تا ۳۰ هزار	۳/۹۲۱	۴	۰/۴۱۷
ساعت کار روزانه	۵-۷ / ۸-۱۰ / بیش از ۱۰	۷/۲۱۵	۴	۰/۱۲۵
فاصله‌ی محل کار تا منزل	۵-۳۰ دقیقه / ۳۱-۶۰ دقیقه / بیش از ۶۱ دقیقه	۴/۴۱۱	۴	۰/۳۵۳

جدول ۴- رابطه بین ویژه‌گی‌های نقشی زنان و میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی آنان

ویژه‌گی	گزینه‌ها	مقدار	df	σ
فقدان تنوع در برنامه‌ی غذایی خانواده	کم / متوسط / زیاد	۳۶/۴۶۲	۴	۰/۰۰۰
فقدان غذاهای تازه پخته‌شده	کم / متوسط / زیاد	۲۷/۱۸۹	۴	۰/۰۰۰
مشکل نظافت و ایجاد نظم در منزل	کم / متوسط / زیاد	۱۱/۶۸۵	۴	۰/۰۲۰
پرستاری از بیماران خانواده	کم / متوسط / زیاد	۳۵/۹۵۹	۴	۰/۰۰۰
رفت‌وآمد با خویشاوندان	کم / متوسط / زیاد	۵۱/۸۷۹	۴	۰/۰۰۰
پذیرایی از مهمان‌های ناخوانده	کم / متوسط / زیاد	۲۶/۲۹۱	۴	۰/۰۰۰
کم‌بود برای گفت‌وگو و تبادل نظر با همسر	کم / متوسط / زیاد	۶۸/۶۰۳	۴	۰/۰۰۰
نارضایتی همسر از شاغل بودن زن	کم / متوسط / زیاد	۳۶/۹۳۴	۴	۰/۰۰۰
مشاجره با همسر	کم / متوسط / زیاد	۳۳/۵۶۱	۴	۰/۰۰۰
عدم همکاری همسر در کار خانه	کم / متوسط / زیاد	۵۷/۲۷۸	۴	۰/۰۰۰
عدم قدردانی همسر از کار خانگی زن	کم / متوسط / زیاد	۶۰/۶۱۶	۴	۰/۰۰۰
کم‌بود وقت برای محبت به فرزندان و همسر	کم / متوسط / زیاد	۶۶/۶۰۲	۴	۰/۰۰۰
رسیده‌گی به فرزندان کوچک	کم / متوسط / زیاد	۶۰/۶۰۶	۴	۰/۰۰۰
نگرانی از تربیت فرزندان	کم / متوسط / زیاد	۱۰/۵۲۲	۴	۰/۰۳۳
رسیده‌گی به تکالیف فرزندان	کم / متوسط / زیاد	۸۶/۹۰۱	۴	۰/۰۰۰
کم‌بود وقت برای تفریح فرزندان	کم / متوسط / زیاد	۴۲/۱۲۳	۴	۰/۰۰۰
نارضایتی فرزندان از کار مادر	کم / متوسط / زیاد	۶۹/۵۴۴	۴	۰/۰۰۰
نگرانی از اوضاع خانه حین کار	کم / متوسط / زیاد	۶۹/۵۵۷	۴	۰/۰۳۰
ابتلا به بیماری‌های عضلانی ناشی از کار خانه	کم / متوسط / زیاد	۳۴/۳۳۰	۴	۰/۰۰۰
کمی وقت برای رسیده‌گی به ظاهر و تقویت جسم	کم / متوسط / زیاد	۴۲/۳۱۶	۴	۰/۰۰۲
میزان رضایت شغلی	کم / متوسط / زیاد	۱۳/۵۶۰	۴	۰/۰۰۹

از آنجا که σ به‌دست آمده از آزمون فرضیات، کوچک‌تر از سطح معناداری $\alpha = 5\%$ است، بنابراین بین متغیرهای زیر رابطه‌ی معنادار وجود دارد:

بین میزان مشکلات برآمده از نقش‌های خانگی زنان شاغل و نوع استخدام آن‌ها رابطه‌ی معنادار دیده‌می‌شود؛ کسانی که به صورت رسمی استخدام شده‌بودند مشکلات خود را بسیار زیادتر از زنان دیگر می‌دانستند

(۴۵ درصد)، شاید به خاطر این که تعداد زیادی از افراد نمونه استخدام رسمی بودند.

بین تعداد فرزندان و میزان مشکلات زنان رابطه وجود دارد؛ زنانی که فرزندان بیش‌تر (بیش از ۲ تن) داشتند، مشکلات خود را بیش‌تر ارزیابی می‌کردند.

بیش‌تر زنان در تهیه‌ی غذاهای تازه برای خانواده مشکلات عمده دارند؛ آنان مجبور اند غذای روز بعد را شب قبل تهیه و به مصرف خانواده برسانند. این ارتباط بین تنوع غذایی و میزان مشکلات نیز دیده‌می‌شود؛ زنان به دلیل مشغله و محدودیت‌های کار توانایی تهیه‌ی غذاهای متنوع را در برنامه‌ی غذایی خانواده ندارند.

بین الزامات مربوط به خانه‌داری و میزان مشکلات، رابطه وجود دارد. در این بین، بیش‌ترین مشکلات زنان نظافت و ایجاد نظم در منزل عنوان شده‌است.

بین الزامات مربوط به همسر‌داری و میزان مشکلات، رابطه وجود دارد. در آمارهای توصیفی، زنان میزان کش‌مکش با همسر خود را کم ارزیابی کرده‌اند، ولی این متغیر با میزان مشکلات ناشی از نقش‌های خانگی ارتباطی معنادار نشان می‌دهد. شاید علت این امر، وجود روحیه‌ی محافظه‌کار در زنان باشد که خواسته‌اند مشکلات بین خود و همسرشان را کم ارزیابی کنند؛ در حالی که متغیرهای دیگر مانند میزان هم‌کاری کم مرد در امور منزل و نارضایتی همسر از شغل زن این ارتباط را آشکار می‌کند.

بین الزامات مادری و میزان مشکلات نیز رابطه وجود دارد. الزامات مربوط به سایر متغیرها (کم‌بود وقت برای رسیدگی به ظاهر و آراسته‌گی خود، تقویت جسم و تن) با میزان مشکلات، ارتباطی معنادار نشان می‌دهد؛ زنان غالباً معتقد بودند که به خاطر مشغول بودن به کارهای بیرون یا درون‌خانه فرصت رسیده‌گی به ظاهر و تقویت جسم و تن را ندارند.

از سوی دیگر، از آنجا که σ به دست آمده از آزمون فرضیات، بزرگتر از سطح معناداری ۵٪ = α است، بین میزان مشکلات با این متغیرها رابطه‌ی دیده‌ نمی‌شود:

سن زن، جایگاه شغلی، میزان تحصیلات زن، میزان تحصیلات مرد، نوع شغل همسر، داشتن شغل دوم توسط همسر، سن فرزندان، جنس فرزندان، میزان درآمد زن، میزان درآمد مرد، میزان ساعات کار روزانه، و فاصله‌ی تقریبی خانه تا محیط کار. ناگفته نماند که نتایج این پژوهش با نظریه‌ها و تحقیقات گذشته کاملاً منطبق است؛ در واقع، بر پایه‌ی این تحقیقات و نظریه‌ها (مانند نظریه‌های آندره میشل، آبوت، گرت و دیگران)، زنان شاغل باید افزون بر مشکلات مربوط به کار بیرون خانه، بار مشکلات مربوط به نقش‌های خانه‌گی، از جمله خانه‌داری، مادری، همسری، و پرستاری را نیز به تنهایی بر دوش کشند. یافته‌های آمده در این مقاله، مؤید این امر در بین زنان شاغل شهر کرمان است.

در توضیح موارد بالا باید گفت گر چه بین این متغیرها رابطه‌ی وجود ندارد، اما زنان با تحصیلات در حدود دیپلم (۴۷ درصد)، کسانی که در بخش‌های اداری و دفتری کار می‌کنند (۴۳ درصد)، شاغلان با درآمد بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان (۳۵ درصد)، و شاغلان با ساعت کاری ۷ تا ۹ ساعت در روز (۴۴ درصد)، مشکلات خود را زیاد ارزیابی کرده‌اند. این مورد درباره‌ی زنانی که فاصله‌ی خانه تا محل کارشان بیش از ۳۰ دقیقه بوده (۳۷ درصد)، کسانی که فرزندان پسرشان بیش از ۲ تن است (۴۲ درصد) و زنانی که فرزندان زیر ۹ سال دارند تأیید نشد.

از سویی، نتایج نهایی تحقیق نشان داد زنانی که رضایت شغلی بسیار کمی دارند، کم‌تر بر مشکلات برآمده از نقش‌های خانه‌گی چیره می‌شوند (۳۹ درصد)؛ اما در مجموع فراوانی‌ها، همه‌ی زنان، چه با رضایت شغلی کم و چه با رضایت شغلی بالا، میزان مشکلات خود را زیاد ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که گر چه بین متغیر رضایت شغلی و

مشکلات رابطه وجود دارد، اما شرایط شغلی مناسب، اثر چندانی در کاهش مشکلات زنان متأهل نداشته‌است. بدین معنا که زنان شاغل، با هر پست سازمانی، و با هر میزان از ساعات کار و درآمد، مشکلات خود را اغلب زیاد دانسته‌اند، و در این باره تفاوت معناداری بین این متغیرها دیده‌نشد. لازم به یادآوری است که ضریب به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون نیز یافته‌ها و روابط فوق را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

- ۱- ایجاد دگرگونی در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به زنان و نقش آن‌ها در خانواده. این امر، به‌ویژه، خود نیازمند آموزش پسران از دوران کودکی است، بدین معنا که پسران باید همچون دختران برای نقش‌های خانه‌داری آموزش ببینند.
- ۲- ایجاد شرایط و تسهیلات لازم برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی به وسیله‌ی مسئولان کشور؛ هم‌چون تأسیس مهدکودک‌های خصوصی یا دولتی و کاهش میزان ساعت کار زنان.
- ۳- تلاش برای آگاهی بخشیدن زنان به حقوق خود، که در این کار رسانه‌ها می‌توانند نقشی مؤثر ایفا نمایند.
- ۴- برگزاری هم‌آیش‌ها و کنفرانس‌هایی در ارتباط با مسائل زنان شاغل و انعکاس نتایج آن به مردم و مسئولین مربوط، برای فرهنگ‌سازی‌های آینده.
- ۵- کاهش میزان باروری زنان، برای امکان حضور بیشتر در اجتماع و در عین حال، رسیدگی به امور خانواده و فرزندان.

منابع

- ۱- آبوت، پاملا؛ والاس، کلا. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی زنان. ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی. تهران، نشر نی.
- ۲- ادواردز، جکی ئی. و دیگران. ۱۳۷۹. تحقیق پیمایشی: راهنمای عمل. ترجمه‌ی سید محمد اعرابی و داوود انیزدی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۳- بی نام. ۱۳۸۰/۶/۱۰. «زنان، مشکلات اشتغال و زوایای پنهان». روزنامه‌ی خراسان.
- ۴- بی نام. ۱۳۸۱/۳/۳۱. «آیا زنان شاغل فشار عصبی بیش‌تری تحمل می‌کنند؟». روزنامه‌ی حیات نو.
- ۵- جمشیدی، فخری. ۱۳۸۱. «ضرورت اجتماعی اشتغال زنان». کار و جامعه، مجله‌ی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی. شماره‌ی ۴۶. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- ریتزر، جورج. ۱۳۸۱. نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران، انتشارات علمی.
- ۷- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. جامعه‌شناسی خانواده. تهران، مجتمع فرهنگی پژوهش‌های اشتغال.
- ۸- کرباسی، منیژه. ۱۳۸۱. «بررسی نقش زن در توسعه (زن خانه‌دار، زن شاغل)». مجموعه مقالات زنان، مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی پایدار ۲. تهران، انتشارات برگ زیتون.
- ۹- گرت، استفانی. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه‌ی کتایون بقایی. تهران، نشر دیگر.
- ۱۰- گیلنر، آنتونی. ۱۳۷۸. جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران، نشر نی.
- ۱۱- مسعودیان، صدیقه. ۱۳۷۸/۲/۱۲. «تغییر نقش و مشکلات اشتغال زنان». روزنامه‌ی هم‌شهری. شماره ۱۸۱۷، ص. ۱۲.